

رضا سراج، محمد جواد اخوان

از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا

تأملی بر مباحث و منازعه‌های شبهه‌گفتمان اعتدال

سرشناسه : سراج، رضا، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور : از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا : تأملی بر مبانی و مؤلفه‌های شبه گفتمان اعتدالیه قلم رضا سراج، محمدجواد اخوان.

مشخصات نشر : تهران : دیدمان، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص.

فروست : شبه گفتمان اعتدال : ۱.

شابک : ۹۷۸۶۰۰۹۶۴۵۶۱۹. ریا، ۱۸۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابخانه: ص، ۲۵۰.

عنوان دیگر : تأملی بر مبانی و مؤلفه‌های شبه گفتمان اعتدال.

موضوع : ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۹۲ -- -- نقد و تفسیر

موضوع : حزب اعتدال و توسعه

موضوع : Forecasting -- ۲۰۱۳ -- Iran -- Criticism and interpretation

موضوع : ایران -- سیاست اقتصادی -- ۱۳۹۲ -

موضوع : Iran -- Economic policy -- ۲۰۱۳ -

شناسه افزوده : اخوان، محمدجواد، ۱۳۶۶ -

رد، بندی کنگره : DSR۱۶۵۸/۴ الف ۴/س ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲۰۴۵۲

ماره کتابشناسی ملی : ۴۳۱۹۳۳۶

شمارگان : ۲۰۰۰

اول :



انتشارات دیدمان
www.BORHAN.ir

از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا

تأملی بر مبانی و مؤلفه‌های شبه گفتمان اعتدالی

رضا سراج

محمدجواد اخوان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۸ هزار تومان

www.BORHAN.ir
info@borhan.ir

تهران، چهارراه شهید لوامانی، خیابان
بوستان، کوچه مسفرن، پلاک ۳۲، واحد ۴

تلفن: ۲۶۱۵۳۲۹۱

پایک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

چاپ و صحافی: ویژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

کلیه حقوق این اثر متعلق به «اندیشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.

فهرست

۱۱	مقدمه
----	-------

گفتار اول

۱۵	اعتدال؛ از نیوران تا پاستور
----	-----------------------------

۱۶	مرکز حقیقات استراتژیک
----	-----------------------

۲۵	حزب اعتدال و توسعه
----	--------------------

۲۷	مکتب باوران
----	-------------

گفتار دوم

۳۱	تأملی بر شبه گفتمان اعتدال
----	----------------------------

۳۳	گفتمان چیست؟
----	--------------

۳۸	شبه گفتمان دولت یازدهم
----	------------------------

۳۹	۱. عدم شکل گیری گفتمان در ساخت فکری
----	-------------------------------------

۴۰	۲. عدم ارائه یک نظام معنایی متفاوت و نداشتن رمزبندی معنایی با سایر گفتمان ها
----	--

۴۰	۳. عدم تعیین یافتن مدلول های دال های ارائه شده
----	--

۴۱	۴. عدم غیریت سازی شفاف
----	------------------------

۴۱	۵. تناقضات موجود سبدره گفتمان سازی
----	------------------------------------

۴۲	۶. شکل نگرفتن و نامشخص بودن دال مرکزی گفتمان
----	--

۴۲	۷. عدم عملکرد مناسب مکانیسم زنجیره هم ارزی و تفاوت
----	--

۴۲	توسعه گرایی
----	-------------

۴۹	اعتدال
----	--------

۵۱	نظام معنایی شبه گفتمان اعتدال
----	-------------------------------

گفتار سوم

۵۳	توسعه؛ نگاه به بیرون یا به درون؟
----	----------------------------------

۶۲	سرمایه گذاری خارجی
----	--------------------

۶۴ فناوری غرب

۶۶ درون‌زا یا برون‌زا؟

۶۶ ۱. تجربه‌های شکست خورده جهانی

۶۷ ۲. تجربه شکست خورده داخلی

۶۷ ۱-۲. توسعه برون‌زا در زمان پهلوی

۷۱ ۲-۲. توسعه برون‌زا بعد از انقلاب

۷۲ ۱. عدم تناسب با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی

۷۴ ناذیده انگاشتن سرمایه‌های خودی

۷۵ ۸. نابود سونیت ملی خودکفایی

۷۸ ۶. نوبت رشد علمی و فناوری

۸۰ ۷. بی‌ثبات‌سازی اقتصادی و اجتماعی

گفتار چهارم

۸۳ از توسعه تعامل گرا تا سیاست خارجی توسعه‌گرا

۸۴ سیاست خارجی توسعه‌گرا

۸۹ تعامل گرایی با غرب

۱۰۲ اعتمادسازی و تابعیت از هنجارهای بین‌المللی

۱۰۸ تعامل گرایی به جای اقتدار منطقه‌ای و تقویت عمق راهبردی

۱۰۹ تجربه سیاست خارجی توسعه‌گرا

گفتار پنجم

۱۱۲ عقلانیت آرمان‌گریز

۱۱۴ عقلانیت ابزاری

۱۲۴ عمل گرایی

۱۳۰ آرمان‌زدایی

گفتار ششم

۱۵۳ توسعه و استحاله

۱۵۵ تغییر فرهنگی، زمینه‌ساز توسعه

۱۶۳	کثرت گرایی و نسبیت فرهنگی
۱۶۶	دنیادوستی و ثروت اندوزی
۱۶۸	تغییر هویت ایرانی
۱۷۷	رویکرد تغییر هویت فرهنگی در کابینه اعتدال گرا
۱۸۱	نقد رویکرد تغییر هویت فرهنگی

گفتار هفتم

۱۸۹	توسعه آئیستونراتیک
۱۹۰	نخستین لاری
۲۰۰	توسعه عدالت اجتماعی

گفتار هشتم

۲۱۱	توسعه و وابستگی
۲۱۳	استقلال یا وابستگی؟
۲۱۶	مشارکت در تقسیم کار سلطه گران جهانی
۲۲۱	کدام کشورها الگوی ما برای توسعه هستند؟
۲۲۳	توسعه یا وابسته سازی؟
۲۲۶	توسعه و جهانی شدن
۲۳۱	توسعه وابسته و انقلاب اسلامی

گفتار نهم

۲۳۵	در سودای تغییر قانون اساسی
۲۴۱	بیوست
۲۴۲	کاخ سفید در اندیشه حمایت از عمل گرایان میانه رو
۲۴۷	کتابنامه
۲۴۸	الف) کتاب ها
۲۵۱	ب) مقالات، گفت وگوها، اخبار و گزارش های رسانه ای
۲۵۵	ج) منابع لاتین

ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود. در طول تاریخ، در این سده‌های آخر، کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند... من عکس مجسمه آتاترک را در ترک (آن وقت که تبعید بودم به آنجا) دیدم که مجسمه او رو به غرب بود و دستش را بالا برده رد و آنجا به من گفتند که این علامت این است که ما هرچه باید انجام بدهیم، باید از غرب دور شویم و در کشور ما هم بعضی از روشن فکرها (به اصطلاح) گفته بودند که ما باید از برتا قدام اروپایی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات بدهیم. ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودش را هم انجام بدهند، تا نخواهیم یک کاری را، نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم. ما در غربت و در خواب نگه داشتند که ما هیچ‌یک از امور صنعتی را قادر بر تحقیق نیستیم. ما فقط لوله‌نگ می‌تواند بسازد، کار دیگر از او نمی‌آید. باور کرده بود این ملت بی‌ارزش و بی‌توانی که تبلیغاتی که قدرت‌های پیشرفته و بزرگی کرده بودند و تبلیغات داخلی که وابستگان به آن قدرت‌ها کرده بودند به اینکه ما باید همه چیزمان از خارج باشد.

ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید، ده‌بار - و دالله است، در خودمان زنده بکنیم. به خودمان امیدوار باشیم. تکیه به اراده خودمان کنیم. تبع اراده دیگران نباشیم... اگر این خدمت را این رسانه‌های گروهی، این مطبوعات، این نویسندگان، این گویندگان، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند، ما تا آخر پیروز خواهیم شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان، دو جور نگاه وجود دارد. من خواهش می‌کنم به‌خصوص صاحب‌نظران و همچنین جوانان و عامة مردم عزیزمان به این نکته توجه کنند که دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد. یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیت بای بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است. از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. این یک نگاه است که می‌گویند برای رونق اقتصادی، نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آن‌ها را به‌درستی به کار بگیریم، [توقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ این یک نگاه.

نگاه دوم به اقتصاد کشور، نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست. می‌گویند سیاست خارجی‌مان، تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصاد ما رونق پیدا کند. این هم نگاه دوم است. امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. همین تحریم‌هایی که امروز علیه ما است از آن اعمال می‌شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به قدرت‌های خارجی نشستید تا آن‌ها بایند اقتصاد شما را رونق بدهند و بازیر بار آن‌ها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آن‌ها به حد کم قانع نیستند... این نگاه، نگاهی است که هرگز نتیجه نخواهد رسید. باید نگاه کنیم به درون کشور، ظرفیت‌های درونی بسیار است... وقتی که اجازه نمی‌دهند که شما برای زمین خودت از بیرون آب بیاوری، باید چاه حفر کنی و از درون زمین خودت آب بیرون بیاوری تا محتاج آب آن همسایه بخیل نباشی. باید از درون خود استمداد کنیم و بتوانیم کارها را پیش ببریم.

انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۹۲ را می‌توان از لحاظ نتیجه، یکی از غیرمنتظره‌ترین انتخابات تاریخ کشور دانست و البته ویژگی دیگر آن، پیروزی نامزد منتخب با رأیی شکننده بود. علی‌ای حال این انتخاب در عمل منجر به کسب رأی بیش از پنجاه درصدی آقای حسن روحانی و به قدرت رسیدن جریانی شد که خود را «اعتدالی» می‌خواند.

از نخستین روزهای پس از انتخابات، موضوع «همان مناسب دولت یازدهم و رئیس‌جمهور منتخب و تبیین مفهوم اعتدال، چه از منظر معاد و چه از منظر مصداق، مورد توجه صاحب‌نظران و تحلیل‌گران بوده است. به نظر می‌رسد برای واکنشی هرچه بیشتر این جریان باید پیشینه تحولات و خاستگاه فکری آن را مورد بررسی قرار داد.

از زمانی که جبهه انقلاب و خط امام دچار انشقاق گشت و ثمره آن چپ و راست (و بعدها اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) شد، جریانی سعی می‌کرده است تا در میان این دو حرکت کند و از این رو خود را «اعتدالی» یا «میانه‌رو» خوانده است. این جریان در دوره موسوم به سازندگی با قشر «تکنوکرات»، که سابقه آن به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گشت، پیوند خورد و ثمره آن اولین حزب دولت‌ساخته پس از انقلاب یعنی

«کارگزاران سازندگی» شد.

پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ که رادیکالیسم بر فضای سیاست‌ورزی ایرانی سایه افکند، تکنوکرات‌ها خود را هرچه بیشتر به سکولارهای تجدیدنظرطلب نزدیک کردند و از همین رو طیفی از سیاست‌مداران میانه‌رو که گرایش‌های راست‌گرایانه بیشتری داشتند، دور یکدیگر جمع شدند و دومین حزب این جریان، موسوم به «اعتدال و توسعه» متولد شد.

در کنار هم قرار گرفتن این دو واژه، که هر دو از یادگارهای این جریان از دوره سازندگی است، مناسبت جهت‌گیری‌های این جریان سیاسی را روشن می‌سازد. در عین حال این دو مفهوم، عام و تفهیم‌پذیر هستند و باید برای فهم دقیق آن، مقصود طرح‌کنندگان از این مفاهیم را مورد تنکااش قرار داد.

برای این منظور، ریایات حلقه فکری این جریان که از مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (و بعدتر مجمع تشخیص مصلحت نظام)، حزب اعتدال توسعه، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در پناه این محور آن، یعنی دکتر حسن روحانی جمع شده و در این باب اندیشه‌ورزی کرده‌اند را مرادمانع قرار داد؛ حلقه‌ای که در مراکز فوق، دغدغه اصلی خود را «توسعه» قرار داده و به تدریج آن را معنادهی کرده و برای دستیابی به آن راهبردپردازی می‌کند. آن‌گاه که این «توسعه» میدان رقابت‌های سیاسی حضور می‌یابد، غیریت و وجه تمایز خود را از دیگران در قالب «اعتدال» تعریف می‌کند و سعی می‌کند آن را در محیط ملی و فراملی تبیین و ترسیم کند.

نگارندگان این کتاب، در جهت شناخت مبانی این رویکرد خاص، به ریز خود را بر ادبیات و گفتمان‌های محوری و نظریه‌پردازان این حلقه خاص (که از سبزی برخی از همین چهره‌ها، «مکتب نیاوران» نامیده شده است) قرار داده و کوشیده‌اند بر این مبنا، چهره‌ای کلی از گفتمان این جریان و نیز هدف‌گذاری‌های مطلوب آن ترسیم کنند.

تلاش بر این بوده است تا چکیده‌ای از نگرش این حلقه با تمرکز بر این دو کلیدواژه مهم (یعنی توسعه و اعتدال) گردآوری و نقد و بررسی شود. رعایت امانت در نقل مطالب ایجاب کرده است تا در برخی از اجزای پژوهش، نقل قول مستقیم، متعدد و گاه مطول بیاید که ممکن است باعث رنجش و آزدگی خوانندگان شود. با این حال باید

گفت ضرورت حفظ امانت و دسترسی مخاطبان به عین ادبیات گویندگان، این مسئله را ایجاب می‌کند و باید بابت ملالت‌های حاصل از اطاله و تعدد آن، از خوانندگان محترم پوزش طلبید.

از آنجاکه مؤلفان برخی از اجزای نگرش و رویکرد این جریان را در تضاد و تناقض با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و گفتمان برخاسته از آن دیدند، به تناسب در فصول مختلف آن را مورد نقد و بررسی قرار داده و کوشیده‌اند تا خواننده در عین مطالعه دیدگاه این جریان، نقد این دیدگاه‌ها را در کنار هم مطالعه کند.

لازم است از زحمات جناب آقای حمیدرضا شاه‌نظری، که در تألیف گفتار دوم این کتاب همکاری داشته‌اند، سپاسگزاری شود.

ناگفته بماند که هر کلام غیر معصومی همچون این نوشتار، عاری از خطا و لغزش نیست و نویسندگان امید دارند تا مخاطبان فرهیخته و بزرگوار این اثر، پدیدآورندگان آن را از دقت نظر و نگاه مفصل‌ترش بهره‌مند سازند. امید است این پژوهش مورد بهره‌برداری حق جویان و مورد رضایت اری تعالی قرار گیرد؛ ان شاء الله.

رضا سراج

محمدجواد اخوان